



آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی

سخنرانی‌های او از علل پیشرفت انقلاب بود...

کتاب الهام می‌گرفتند، به‌خصوص اینکه به سبک رمان هم نوشته شده بود. پادم هست ما کتابی نوشتیم به نام «فیلسوف نماها» به همین سبک و بعداً ایشان کتاب «دکتر و پیر» را نوشت و این دو کتاب در میان جوانان خیلی گسترش داشت و بسیاری از اشکالاتی که در مسایل اعتقادی و مسایل اجتماعی اسلام که بعضی از دشمنان ایجاد می‌کردند و سم‌پاشی‌هایی می‌کردند، در این کتاب‌ها مورد تحقیق واقع شد، به‌خصوص در کتاب «مناظره دکتر و پیر» گروهی جواب اشکالاتشان را پیدا می‌کردند.

ایشان وقتی به قم آمدند، قسمتی از تحصیلاتشان را در مدرسه حجتیه بودند. ما هم در آن وقت در مدرسه حجتیه بودیم که ایشان و یکی از دوستان نزدیکشان به اتفاق هم نزد مرحوم حاج شیخ فرید کاشانی درس می‌خواندند. آقای فرید مردی عارف و وارسته بود که در بُعد اخلاقی در این بزرگوار هم اثر عمیقی داشت. ایشان در همان موقع هم که در قم بودند، به عنوان یک فرد مستعد و شایسته در مسایل علمی شناخته می‌شدند و بعداً پیشرفت شایانی کردند. بعد که به مشهد منتقل شدند، یکی از مدرسین شناخته شده حوزه علمیه مشهد محسوب می‌شدند و تأثیرشان در آن حوزه علمیه، بسیار زیاد بود.

ایشان زمانی که شهید شدند، واقعا جوان بودند و چیزی که بسیار مایه تأسف شد این بود که دشمن جای بسیار حساسی را نشانه‌گیری کرد. هرچند دشمن ایشان را شهید و جامعه و همه دوستداران انقلاب را متأثر کرد، ولی اثرات شهادت ایشان در تثبیت انقلاب و تداوم آن بسیار موثر بود. به‌رحال معتقدم که آثار ایشان را باید بیشتر و بهتر منتشر کرد و در دسترس جامعه، به‌خصوص نسل جوان قرار داد و باید از شخصیت‌های انقلاب و شهدای بزرگ مانند شهید هاشمی نژاد بیشتر تجلیل شود و یاد و خاطره آنان را در ذهن‌ها زنده نگه داریم که خداوند ان‌شاءالله روح بزرگ این شهید عزیز را با ارواح طیبه ائمه معصومین محشور گرداند. ان‌شاءالله

والسلام

*گفت‌وگو با برادر شهید

آن مجلس خبرگان قانون اساسی خوب می‌درخشید و خوب صحبت می‌کرد و خوب مسایل را تحلیل می‌کرد، ایشان بودند. در مجموع این سه دوران که با ایشان در تماس بودم، هم از نظر تقوا و پرهیزگاری و تعهد مذهبی و هم از نظر شایستگی‌های علمی و بُعد فکری و آن رشد سیاسی و انقلابی از ایشان خاطرات خوبی دارم.

ایشان در قم قبل از انقلاب سخنرانی پرشوری داشتند که البته خودم شخصا در آن جلسه شرکت نداشتم، ولی آوازه سخنرانی‌های ایشان چه در قم و چه در مشهد و چه در تهران در همه جا بود و شاید کمتر کسی بود که در مسیر انقلاب قرار داشته باشد و از سخنرانی‌های پرشور و موثر ایشان، مخصوصاً در نسل جوان خبر نداشته باشد. من معتقدم یکی که از کسانی که در پیشرفت انقلاب در مناطق مختلف کشور اثر گذاشت، ایشان و سخنرانی‌های ایشان بود.

درباره نوشته‌های ایشان باید گفت که از کتاب‌های خوبی که در آن زمان منتشر شد، یکی همین کتاب «مناظره دکتر و پیر» بود. باز فراموش نمی‌کنم خیلی‌ها مخصوصاً نسل جوان از این

من در سه جریان از نزدیک با شهید بزرگوار، مرحوم شهید هاشمی نژاد در تماس بودم و در این تماس‌های نزدیک با ویژگی‌های مختلف و مهمی در شخصیت ایشان آشنا شدم. یکی در دوران زندان در پانزدهم خرداد که در سنه ۱۳۴۲ واقع شد که به اتفاق ایشان و مرحوم شهید مطهری و جمع زیادی از بزرگان تهران و قم یک ماه و نیم را در زندان در کنار هم در یک جا با هم بودیم که من در آنجا مراتب تعبد ایشان به مسایل اسلامی و آن متانتی را که شایسته یک زندانی با شخصیت است، می‌دیدم. همچنین در بحث‌های علمی که صبح و عصر معمولاً در زندان طرح می‌شدند که واقعا از وقتمان استفاده کنیم، ایشان در آن مباحث به خوبی شرکت می‌کرد و از عهده برمی‌آمد و از افرادی بود که در میان آن گروه که در زندان بودند، می‌درخشید.

دوران دیگری که ما با ایشان بودیم در یک سفر تبلیغی بود که در ماه مبارک رمضان در ساوه با هم در یک جا به تبلیغات اسلامی مشغول بودیم و من در این یک ماه همه آنچه که

زمانی که ایشان شهید شدند، واقعا جوان بودند و چیزی که بسیار مایه تأسف شد این بود که دشمن جای بسیار حساسی را نشانه‌گیری کرد. هرچند دشمن ایشان را شهید و جامعه و همه دوستداران انقلاب را متأثر کرد، ولی اثرات شهادت ایشان در تثبیت انقلاب و تداوم آن بسیار موثر بود.

از ایشان دیدم، از نظر تبلیغات، خوب، دلسوزانه و توأم با تحلیل خوب مسایل روز بود که این هم برای من فراموش شدنی نیست.

دوران سوم، دورانی بود که در مجلس خبرگان قانون اساسی ایشان به عنوان نماینده خبرگان قانون اساسی از مازندران و ما هم از فارس بودیم و دو سه ماه در تدوین قانون اساسی زحمت فراوانی کشیده بود و در آن جا بود که شخصیت‌های علمی درجه اول کشور حضور داشتند و آن اثر خوب قانون اساسی را از خود به یادگار گذاشتند. از کسانی که باز در

